

جایگاه یونسکو در برنامه ریزی و توسعه فرهنگی جهان سوم (ایران)

دکتر سیدرضا صالحی امیری

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

لیلی زمانی هرگلانی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت فرهنگی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

چکیده

این پژوهش سعی دارد تا به بررسی جایگاه یونسکو در توسعه و برنامه ریزی فرهنگی ایران بپردازد. در این راستا نخست، فرهنگ و توسعه را از دیدگاه یونسکو مورد بررسی قرار داده و در ادامه ضمن بررسی نظریه‌های توسعه، به معرفی توسعه پایدار انسانی پرداخته است و برای بررسی فعالیت‌های یونسکو، با مبنای قرارداد چهار هدف توسعه فرهنگی یونسکو به بررسی میراث فرهنگی ایران پرداخته است و سپس به توصیف اهداف و سوالات پژوهش پرداخته و نتایج مربوط به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های توزیع شده در میان نخبگانی که با یونسکو در ارتباط بودند، تشریح گردید. حاصل نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که یونسکو نقش موثری در حفظ، اشاعه و احیاء میراث فرهنگی مادی ایران و تبادل فرهنگی ایران با سایر کشورها و احیاء هویت فرهنگی ایران داشته است.

واژگان کلیدی

یونسکو، توسعه فرهنگی، توسعه پایدار انسانی، میراث جهانی

مقدمه

توسعه^۱ پدیده‌ای است که پیامدهای فکری و اخلاقی گسترده‌ای برای افراد و جوامع دارد فقر، بیکاری و نابرابری در یک جامعه نشان دهنده عدم دستیابی به توسعه است و حدود نیم قرن از آغاز تلاش‌های ملی و بین‌المللی برای توسعه گذشته است، بدون آنکه دگرگونی بنیادی در زندگی مردم در کشورهای جهان سوم به وجود آید.

از اوایل دهه ۶۰ توسعه اقتصادی ضرورتی برای توزیع وسیع‌تر منافع اقتصادی و اجتماعی حاصله تبلور یافت. ولی در اواخر دهه به تدریج آشکار شد که هر چند رشد اقتصادی، شرط ضروری توسعه است اما نباید آن را به منزله توسعه تلقی کرد. (دوپوئی ۱۳۷۴، ۹) بنابراین مفهوم توسعه در دهه‌های اخیر وسعت یافته و فراتر از توسعه اقتصادی گردید زیرا مردم دریافته‌اند که تنها ملاک اقتصادی نمی‌تواند برنامه‌ای برای کرامت و سعادت انسان باشد از این رو بخش توسعه سازمان ملل متحد^۲ مفهوم توسعه انسانی^۳ را در ارتباط با توسعه اقتصادی تعریف کرده است. (پرزکوئیاری ۱۳۷۷، ۱۰) با پایان یافتن جنگ جهانی اول و پیدایش جامعه ملل، این تفکر که باید بین کشورهای جهان در امور معنوی و فرهنگی و هر آنچه با کرامت انسانی سر و کار دارد، ارتباط و همدلی وجود داشته باشد، قوت گرفت (قطب‌الدینی ۱۳۸۲، ۳) و تحولات بعد از جنگ دوم جهانی این واقعیت را به نظام‌ها تحمیل کرد که اصل تعامل بین کشورها و فرهنگ‌ها به جای تقابل بهترین راه همزیستی می‌تواند باشد و این جزء با اولویت قرار دادن عوامل فرهنگی و توسعه فرهنگی^۴ میسر نیست بر همین اساس یونسکو^۵ سازمان آموزشی، علمی، فرهنگی در نوامبر ۱۹۴۵ میلادی تأسیس شد تا با کاشتن بذر صلح به جای جنگ در اذهان انسان‌ها و از طریق گسترش همکاری‌های فرهنگی و آموزشی و علمی، صلح و

تفاهم بین‌الملل را در جهان مستقر سازد، علی‌رغم این با گذشت بیش از شصت سال از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان جهانی یونسکو هنوز بسیاری از کشورهای جهان سوم در برقراری صلح، موفق نشده و همچنین از توسعه لازم برخوردار نشده‌اند و کیفیت زندگی مردم این کشورها واقعاً بهبود نیافته است. (نجف بیگی ۱۳۸۶، ۲۵) لذا امروزه بحث توسعه یکی از مباحث اصلی جامعه جهانی پس از جنگ دوم جهانی است. در مبحث توسعه، معمولاً توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و توسعه فرهنگی بیشتر مدنظر قرار می‌گیرد و ارجح داشتن یک بعد بر بعد دیگر موجب عقب ماندگی کشورهای جهان سوم را شده است. به نظر می‌رسد موفقیت و رفاه کشورها با ارزش‌های فرهنگی که نگاه به سیستم‌های جهانی داشته و خود را تافته جدا بافته از جهان ندانند و پیشرفت ملت‌هایشان را افقی از پیشرفت ملت‌های دیگر بدانند خواهند توانست توسعه پایدار برای ملت‌شان به ارمغان آورند. (هریسون ۱۳۸۳، ۱۴)

البته باید در نظر داشت مفهومی جدید به نام فرآیند جهانی شدن^۶ به عنوان تحولی جدید در کنار سایر تحولات بین‌المللی تلقی می‌شود، در واقع به نظر می‌رسد این فرآیند به دلیل برخورداری از ابعاد گسترده، سرعت شتابان و مرز ناپذیری، آغازگر فرآیندی است که احتمالاً ابعاد گوناگون بشری از جمله فرهنگ^۷ و توسعه و به تبع آن تحولات فرهنگی از جمله هویت ملی را تحت الشعاع قرار دهد. نقش حیاتی مقولات فرهنگی در عصر جهانی شدن از یک طرف و همچنین پر رنگ شدن نقش سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو از طرف دیگر ما را بر آن داشت تا نگاهی فراگیر به این سازمان جهانی و شناسایی فعالیت‌های آن داشته باشیم.

موضوع پژوهش

آشنایی اولیه با موضوع مورد بحث حائز اهمیت است، زیرا برای شناخت افق‌های پژوهش، انواع متغیرها و حوزه‌های مکانی و زمانی ضروری است. آنچه مسلم است کشورهایی به نام جهان اول و جهان سوم وجود دارد. ۷۰ درصد مردم دنیا در کشورهای جهان سوم زندگی می‌کنند که در مقایسه با کشورهای جهان اول، از سطح زندگی پایینی برخوردار هستند و ایران نیز در شمار کشورهای جهان سوم قرار دارد. در عصر جهانی شدن، کشورها با ترکیب تازه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها روبرو خواهند شد. فرآیند جهانی شدن بطور اجتناب ناپذیر و به روش‌های گوناگون، فرهنگ کشورهای مختلف و به خصوص کشورهای جهان سوم را تحت تاثیر خویش قرار خواهد داد. بطور مثال مسائلی نظیر هویت،^۸ قومیت، محیط زیست و... از جمله موضوعات و چالش‌های جدید کشورها معرفی شده‌اند که برای مواجهه با آنها نیاز به اتخاذ برنامه‌ریزی‌های جدید از جانب کشورها هستیم.

یونسکو به عنوان یک سازمان بین‌المللی برای نیل به این خواسته مولفه‌هایی را در نظر گرفته است این مولفه‌ها در مقوله‌های آموزش، علوم، فرهنگ، علوم انسانی و اجتماعی مطرح می‌گردد و با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند و اکنون فرصت‌های فراوانی وجود دارد تا از این سازمان به منظور حرکت به سوی برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی گام برداشت گزارشات یونسکو نشان می‌دهد با توجه به اهداف راهبردی ۲۰۰۲-۲۰۰۷ در صورت استفاده بهینه کشورها این مسئله امکان پذیر است.

در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا با شناسایی فعالیت‌های یونسکو در «خصوص انجام فعالیت‌های مربوط به برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی در کشور ایران» بحث شود تا استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود در این سازمان جهت ارتقاء و توسعه کشورمان ایران

باشیم. برای نیل به این خواسته باید با متغیرهای مستقل یعنی فعالیت سازمان یونسکو آشنا شویم و بعد متغیرهای وابسته‌ای که متاثر از متغیر وابسته هستند شناسایی و بررسی نماییم. این شامل برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی است. همچنین در این راستا به مختصات فرهنگ، توسعه، جهانی شدن، و میراث جهانی^۹ خواهیم پرداخت.

اهداف پژوهش

هدف از ارائه این موضوع، آشنایی با سازمان جهانی یونسکو، شناسایی فعالیت‌های آن سازمان، رسیدن به اهداف و پیدا نمودن جایگاه یونسکو در ایران می‌باشد با توجه به اهمیت زیاد مسائل فرهنگی که کلیه سطوح مادی و غیر مادی جوامع بشری را در بر می‌گیرد، جامعه کنونی کشورمان بیش از هر زمان دیگری نیازمند ارتقای سطح کیفی و کمی جامعه جهت رسیدن به استانداردهای جهانی است.

اهداف کلی

اهمیت شناسایی نقش یونسکو در خصوص انجام فعالیت‌های مربوط به برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی در ایران. اهمیت شناسایی میراث جهانی ایران جهت ارتقاء برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی.

سوال و فرضیه پژوهش

با توجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر «جایگاه یونسکو در برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی در کشورهای جهان سوم مورد ایران» است سوال اصلی و فرعی را چنین می‌توان بیان کرد.

سوال اصلی: آیا یونسکو در خصوص روند برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی ایران تاثیرگذار بوده است؟

سوال فرعی: آیا ایران از ظرفیت‌های یونسکو توانسته است استفاده بهینه نماید؟

و به این ترتیب می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که: یونسکو به عنوان بزرگترین نهاد بین‌المللی فرهنگی، در فرآیند تحولات جهانی شدن، در روند برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی ایران موثر است.

ادبیات پژوهش

ویژگی و اهمیت فرهنگ در توسعه

فرهنگ در گنجینه لغات جهانی به یکی از محبوبترین واژگان بدل گشته است و در رسانه‌های جهانی، ملی و محلی از آن یاد می‌شود اما مفهوم محوری مورد بحث همیشه واضح نیست. لذا اگر بخواهیم به پیروی از رویه‌های علمی در مراکز علمی و دانشگاهی به مفهوم فرهنگ برسیم ابتدا باید به واژه و تعریف‌ها و نظریه‌های متفکران مختلف در این زمینه آشنا شد و این پای گذاشتن به عرصه‌ای دشوار و پیچیده است زیرا نظریه‌های گوناگون و به غایت متفاوت و متعدد است. برای درک بهتر فرهنگ در این پژوهش قصد داریم ویژگی فرهنگ را از دیدگاه یونسکو، بیان نمائیم:

(۱) فرهنگ یک مفهوم است نه یک واقعیت عینی. در حقیقت این سازه‌ای فکری است که برای توصیف (وتوجیه) مجموعه پیچیده‌ای از رفتارها، افکار، عواطف و مصنوعات بشری به کار می‌رود. عموماً عامه مردم درباره فرهنگ اینگونه فکر می‌کنند:

مورد اول: درباره از دست دادن ارزش‌ها و هویت فرهنگی ابراز نگرانی می‌کنند. از کشورهای جهان اول گرفته تا کشورهای جهان سوم غالباً اعتراض مشابهی شنیده می‌شود که زندگی امروزی در حال از بین بردن بنیان‌های سنتی هویت است.

مورد دوم: فرهنگ بر مجموعه اولویت‌های جایگزین؛ اولویت بازار بر اولویت‌های انسانی یا الهام بخش و یا اهمیت دادن به دیگران تاکید می‌ورزد و در حرکت به سوی اقتصاد مطلق بازار و جهانی سازی، ارزش‌های فرهنگی از دست می‌روند و پیوسته پرسش‌هایی مطرح می‌گردد.

مورد سوم: درگیری‌های قومی مانند درگیری بین صرب‌ها و مردم بوسنی و بین مسلمانان هند و هندوها، همگی ریشه در اختلافات فرهنگی دیرینه دارد. امروزه فرهنگ به راهی برای توجیه کردن خشونت و درگیری قومی بدل گشته است.

(۲) مفهوم فرهنگ به عنوان یک مفهوم متناقض مطرح می‌شود. در قرن نوزدهم فرهنگ در چارچوب تاریخی مشخص ملی‌گرایی به وجود آمد که آن را به صورت نیرویی وحدت بخش و همگن‌ساز شکل داد تا در نهایت از حکومت‌ها حمایت کند. البته این روند را هم اکنون در بسیاری حکومت‌های ملی جهان سوم که از گروه‌های پراکنده تشکیل شده است و برای مشروعیت بخشیدن و تقویت حکومت کارساز است و فرهنگ به مانند یک ریسمان مردم درون یک واحد سیاسی را به هم پیوند می‌دهد. (گزارش جهانی فرهنگ ۱۳۷۹، ۹۳)

کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه در کتاب تنوع خلاق بیان می‌کند «محصور کردن مفهوم فرهنگ دو مشکل اصلی را در بر دارد هیچ فرهنگی جزیره‌ی مجزایی نیست و همه فرهنگ‌ها در رابطه با یکدیگر تاثیر گذار و تاثیر پذیرند و در واژه فرهنگ همیشه یک مفهوم رابطه وجود دارد یعنی این طور نیست که فقط X باشد بلکه X با Y رابطه دارد مثل برمه‌ای‌ها با تایلندی‌ها و انگلیسی‌ها با آلمانی‌ها که در ارتباطند». بارت می‌گوید «فکر کردن به قومیت در محدوده تنها یک گروه و فرهنگ، مثل این است که سعی کنیم با یک دست، دست بزیم» مقابله ما با دیگران در سازمان

قومیت مستتر است، یعنی دیگری بودن دیگران». (پرزکوئیاریار ۱۳۷۷، ۱۳)

۳) واقعیت دیگر در مورد ویژگی فرهنگ ماهیت، سیال و متغیر بودن آن است. در کمیسیون جهانی فرهنگ آمده است فرهنگ یک کشور علاوه بر اینکه ثابت نیست بلکه دائماً در جریان است. اگر فرهنگ‌ها بناست برای حیات با معنی باقی بمانند نیازمند تغییر دائمی هستند. این مفهوم فرهنگ نشان می‌دهد که سنن باید در تغییر باشند یعنی سنن تفسیر می‌شوند تا قابل درک شوند این تفاسیر مجدد در واقع تغییر محسوب می‌شوند و سوالی که می‌پرسیم باید این باشد که چرا سنن فرهنگی تغییر نکنند این جا مسئله جالب وجود دارد زندگان برای حفظ سنت‌ها آنها را متحول می‌سازند اما با این تحول که برای مفهوم کردن سنت‌ها برای خود صورت می‌دهند قادر باشند آنها را به نسل بعد انتقال و هم به نوبه خود آنها را حفظ کنند.

نظرات، سنت‌ها و مصنوعات ملل، آمیخته‌هایی از عناصر بیرونی و درونی‌اند و بر خلاف شعارهایی که در نفی این عنوان می‌شوند غالباً سیال‌اند زیرا در زمان حاضری که دائماً دستخوش تحول است گذشته برای آن که معنی دار بماند باید قابل درک باشد. (گزارش جهانی فرهنگ ۱۳۷۹، ۱۰۰)

۴) دیگر ویژگی عمده فرهنگ نسبی بودن آن است. گرچه نمی‌توان انکار کرد که گروه‌های مختلف انسانی از لحاظ تفکر، احساس و عمل متفاوتند، برتری یا فروتری ذاتی قائل شدن برای آنها به هیچ روی قابل قبول نیست. یک فرهنگ هیچ معیاری مطلق برای قضاوت کردن درباره فرهنگ‌های دیگر ندارد و بد یا خوب دانستن یک فرهنگ بر هیچ معیار عینی و فرا فرهنگی استوار نیست (Hofstede 1997, 7). در این راستا دو راه برای اندیشیدن حوزه فرهنگ وجود دارد:

۱) تلاش برای حراست از همگنی و مرزهای فرهنگی در مقابل تحولات جهانی؛

۲) پذیرش فرهنگ به عنوان یک فرایند خلاق مستمر.

تلاش برای حراست از همگنی و مرزهای فرهنگی در مقابل تحولات: تعمق در موضوع فوق شاید درک این که چرا فرهنگ در سراسر جهان به مسئله‌ای جنجال آفرین تبدیل شده است کمک کند گروه‌های سیاسی که به قصد توجیه هویتی وحدت بخش بر مردمان گوناگون بر همگنی فرهنگی تاکید می‌کنند همواره باید در پی پوشاندن بخشی از گذشته، تاکید بر یک جزء و نفی جزء دیگر باشند این در بهترین تلاش ساختن جوامع ملی است که در زمان ما با روند جهانی شدن به طور همه جانبه‌ای دشوار شده است. حکومت‌های ملی برای ایجاد جوامع فرهنگی خود غالباً به چیزی بیشتر از تاکیدات مثبت نیاز دارند تا مردم را دائماً علیه آن بسیج کنند و ابهامات، گوناگونی و تضادهای درونی خود را بپوشانند بسیج مردم علیه «اجانب» راه آسانی برای مشروع جلوه دادن قدرت سیاسی و گسترش صفوف پیروان خود است. این گزینه غالباً فرهنگ را به ابزار بسیج سیاسی بدل می‌کند که به منظور تحکیم هویت ملی، به سهولت به حیطة دشمن سازی از دیگران و از آنجا به خشونت علیه آنان کشانده می‌شود.

پذیرش فرهنگ به عنوان یک فرایند خلاق مستتر؛ اگر درگیری دو جانبه و ویژگی سیال را بپذیریم می‌توانیم مفهوم فرهنگ را در قالبی نو قرار دهیم و بر چگونگی دوام آوردن ارزش‌ها و هویت فرهنگی در زمان تحولات و دشواری‌ها تاکید کنیم هسته گزینه اول را محدوده‌ها و هسته گزینه دوم را اخلاقیت تشکیل می‌دهد.

اگر کشورها را به صورت طیفی در نظر بگیریم، کشورهای نزدیکتر به طرف پیوستار^۱ باز فرهنگی از پویای‌های فرهنگی سیال استقبال می‌کنند، اما جوامعی که نزدیک به طرف بسته این طیف قرار دارند غالباً آن

فرهنگ ما است، نمی‌توان درباره رشد اقتصادی یا هر هدف دیگری سخن به میان آورد به طور قطع برخی از ارزشهای بنیادی (مثلاً سعادت، طول عمر بیشتر، سلامتی) در میان بسیاری از جوامع مستقر است اما به این معنی نیست که این ارزش‌ها مستقل از فرهنگ هستند بلکه به معنای آن است که فرهنگ‌های گوناگون در مورد برخی از ارزش‌های بنیادی با یکدیگر همسو و همگرا هستند.

ج) نقش ابزاری: هدفهای ما تا حدودی با فرهنگ و اخلاقیات ما تعیین می‌شود اما کارکرد فرهنگ تنها به این خلاصه نمی‌شود پارامترهای فرهنگی همچنین نقش ابزاری مهمی، چه برای رشد اقتصادی و چه برای تحقق سایر هدفها مانند ارتقای کیفیت زندگی دارند. همچنین فرهنگ از دو مقوله آزادی و شیوه مطلوب زندگی جدایی ناپذیر است. به طور کلی می‌توان گفت که فرهنگ با توجه به این سه نقش برای توسعه، ضامن اصلی آزادی است. (آمارتیا سن، ۱۳۷۶، ۱۳)

توسعه پایدار و توسعه پایدار انسانی

پایداری در عمل معادله‌ای است بین ضرورت‌های زیست محیطی و نیازهای توسعه موازنه از دو طریق می‌تواند تحصیل شود: با کاستن از فشارها و یا افزودن بر ظرفیتهای موجود. بوم‌شناسان اغلب بر اقدام نخست تاکید دارند و اقتصاد دانان بر مفهوم دوم (نصیری، ۱۳۷۹، ۱۱۵) توسعه پایدار مفهومی شکل یافته نیست بلکه بیشتر فرآیند دگرگونی رابطه سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی طبیعی و مراحل آن را بیان می‌کند (UNES CO 1997,73).

توسعه روندی بود که به رغم امیدهایی که در دهه ماه گذشته با آن گره خورده بود جزء افزایش فقر و نابرابری ثمری برای کشورهای جهان سوم در بر

را نادیده می‌گیرند یا حتی نفی می‌کنند و با پیروی از گزینه اول، در جوامع غالباً مرزبندی‌های مبهم قالب حدود و حدودیه صورت مرزها قالب موانع را به خود می‌گیرند (البته آنها نمی‌توانند تاثیرات خارجی را کاملاً منع کنند و تنها آن را تنظیم می‌کنند همچنین نمی‌توانند موانع تحول شوند) با وجود این هویت و طرز فکر مردم به تدریج از دنیا فاصله می‌گیرد.

با در نظر داشتن این پیوستار باز و بسته و با تمرکز بر جوامع باز، هویت فرهنگی به ندرت از دست می‌رود البته در مورد از دست رفتن آن خیلی صحبت می‌کنند اما غالباً بازسازی و تاکید مجدد بر ارزش‌ها در حال وقوع است و هویت فرهنگی ادامه می‌یابد در واقع می‌توان گفت، گفت و گو در مورد از دست رفتن را یکی از نیروهای محرکه فرآیند خلاق و پیشرو بازسازی و تاکید مجدد دانست (گزارش جهانی فرهنگ، ۱۳۷۹، ۱۰۰)

اهمیت فرهنگ

فرهنگ به علت سه نقش کاملاً متمایز اما مرتبط با هم در فرآیند توسعه اهمیت و نقش اساسی دارد. این نقش‌ها از جمله سازنده بودن، نقش ارزیابی و نقش ابزاری است.

الف) نقش سازنده: توسعه در معنای گسترده خود ناگزیر بعد فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد و توسعه فرهنگی به طور کلی عنصری اساسی و لاینفک از توسعه است. محروم کردن مردم از امکان تعمیق، پرورش و اعمال خلاقیت خود نه تنها منافعی بر سر راه رشد اقتصادی و تحقق هدف‌های خاص است بلکه خود توسعه را نیز به مخاطره می‌اندازد.

ب) نقش ارزیابی: فرهنگ تعیین می‌کند که ما حقیقتاً به چه چیزی علاقه و تعلق داریم. بدون در نظر گرفتن ارزش‌های مهم برای ما که منعکس کننده

در دگرگونی اجتماعی و سیاسی است این امر فقط با ایجاد جوامعی امکان پذیر خواهد بود که ارزش انسانی را برتر از قدرت و آزادی را برتر از مهار انسان بشمارند.

بررسی اجلاس ریو در ۱۹۹۲ همان اجلاس کره زیست (برزیل) نقطه عطفی در زمینه توسعه بود که منجر به دستور کار ۲۱ شد. توسعه پایدار به عنوان سیستمی یکپارچه مورد تاکید قرار گرفت. (نصیری ۱۳۷۹، ۱۷۵) به دنبال اجلاس ریو سازمان یونسکو در بندهایی از دستور کار ۲۱ ماموریت پیدا کرد تا در عرصه‌های مربوط به فرهنگ، آموزش، علم و نظایر آن به ظرفیت سازی پیرامون توسعه پایدار اقدام کند. فدریکو مایور در سال ۱۹۹۳ دو کمیسیون بین المللی تشکیل داد:

(۱) کمیسیون بین المللی در زمینه تعلیم و تربیت

برای قرن ۲۱ به ریاست ژاک دلور^{۱۱}

(۲) کمیسیون جهانی در زمینه فرهنگ و توسعه به

ریاست خاویر پرزدکوئیار^{۱۲} و فدریکو مایور^{۱۳}

و به نام ظرفیت سازی برای توسعه پایدار نامید.

(نصیری ۱۳۷۹، ۱۷۶)

بنا به تعریفی که در گزارش کمیسیون جهانی محیط

زیست و توسعه آمده عبارتست از توسعه‌ای که

نیازهای زمان حال را برآورده می‌کند بی آنکه به توان

نسل‌های آینده برای برآورده ساختن نیازهایشان لطمه

وارد سازد. (پرزدکوئیار ۱۳۷۷، ۲۳۴)

میراث^{۱۴} جهانی ما

میراث فرهنگی طبق تعریف یونسکو به یادمان‌ها،

مجموعه بناها و محوطه‌های دارای ارزش مردم

شناختی، قوم شناختی، باستان شناختی، زیبا شناختی و

تاریخی گفته می‌شود.

یونسکو در سال ۱۹۴۵ در کنفرانس لاهه، قانونی را

به تصویب رساند که طی آن تمامی کشورهای جهان

نداشت بنابراین توسعه پایدار، در واقع راه حلی بود برای معمای توسعه در شرایط متحول سالهای پایانی قرن بیستم و این چشم انداز جامع نگر در پرتو اندیشه‌ها و چالش‌های عصر جدید با داعیه پاسخگویی به نیازهای مختلف انسان و جهان نه فقط در حال حاضر که در آینده و برای مواجهه با مسائل قرن بیست و یکم برنامه ریزی می‌شد این اعتقاد به صورت گسترده مطرح است که چالش جدید توسعه پایدار خواهد بود و البته این توسط اقلیتی کوچک و از جانب اکثریتی وسیع به دست نخواهد آمد بلکه این مسئله مستلزم مشارکت و تعهد همگان خواهد بود، تعهدی که می‌توان با تعابیری نظیر ویژگی‌های شخصیتی موافق با توسعه «اخلاق موافق با توسعه» و «تقوی سیاسی» از آن نام برد. (تاجیک ۱۳۸۲)

مفهوم جدید توسعه پایدار کلی نگری است و همه

ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر نیازهای

بشری را در بر می‌گیرد. به اعتباری مهمترین جاذبه در

توسعه پایدار، در جامع نگری آن است. (نصیری ۱۳۷۹،

۱۱۵) توسعه پایدار سازمان ملل بر پایه توسعه جامعه

محوری قابل توضیح است که در آن حفظ زبان‌های

مختلف و توسعه همراه با حفظ محیط زیست در

اولویت قرار دارند. (قوام ۱۳۸۲، ۲۷۶)

در این راستا توسعه انسانی برای دست یافتن به

توسعه انسانی پایدار «یعنی توسعه مردم برای مردم و

توسط مردم» و دموکراسی به عنوان نظامی سیاسی که

هدفش مشارکت همه جانبه شهروندان است ضرورت

می‌یابد. توسعه راستین انسانها مستلزم چیزی بسیار

بیش از رشد اقتصادی است، محور چنین توسعه ای

باید احساس استقلال و شکوفایی درونی باشد در

دنیايي که قدرت سیاسی غالباً با استبداد و حاکمیت

نخبگان محدود فکر مترادف است تنها چنین درکی

است که حفظ جایگاه والای ارزش‌های فرهنگی را

تضمین می‌کند مسئله محوری زمانه ما مشارکت مردم

حتی در ایام جنگ موظف به حفاظت از مکان‌های تاریخی و طبیعی جهان هستند. (نراقی ۱۳۸۳)

نسل ما وارث گنجینه‌ای از منابع فرهنگی مادی و معنوی است که حافظه جمعی را می‌سازد و احساس هویت و تعلق اجتماعی را در دوران نا امنی تقویت می‌کند. این منابع ودیعه‌ای گرانبها برای جامعه بشری و اساساً تجدید ناشدنی است. (پرزدکوئیاری ۲۰۲، ۱۳۷۷)

میراث فرهنگی یکی از مهمترین عوامل توجیه کننده و مبین هویت فرهنگی به شمار می‌رود. این میراث از دو بعد متفاوت مادی و معنوی برخوردار است.

میراث فرهنگی مادی^{۱۵}

میراث مادی، آشکارترین عنصر میراث فرهنگی هستند که شامل مواد غیر منقول مانند یادمان‌ها، ساختمان‌ها، محوطه‌های باستانی و دیگر مجتمع‌های تاریخی و عناصر طبیعی مانند درخت‌ها، غارها، دریاچه‌ها و کوه‌ها، که سنت‌های فرهنگی قابل توجهی دارند و آثار منقول دیگری مانند آثار هنری از هر نوع و جنس، اشیایی که از نظر باستان شناسی اهمیت دارند و یا نمایانگر مهارت‌هایی هستند که احتمالاً از بین رفته‌اند و وسایل زندگی، پوشاک و سلاح‌هاست.

میراث فرهنگی معنوی^{۱۶}

میراث معنوی بازتاب مجموعه‌ای از فرآیندهای ذهنی است که در دوره‌های گوناگون تاریخی در یک جامعه شکل می‌گیرد و با اصول ثابت و قابل شناخت به خلاقیت‌های صوری و مادی منجر شده و پیوسته بازتابی از نیازها و نیز پاسخ به آن نیازها را در خود دارا است و عمدتاً شامل موارد زیر است:

۱) زبان، دین، دانش سنتی (معماری سنتی، طب سنتی، نجوم سنتی...)

۲) اساطیر (شامل باور داشت‌ها و اعتقادات و تاریخ روایی آئین‌ها و مراسم)؛

۳) فولکور شامل نموده‌های روایی (قصه و ادبیات روایی) نموده‌های موسیقی، نموده‌های مادی (صنایع دستی، طرح و مجسمه‌سازی، سفال، موزائیک و مناظر طبیعی است.

این مهارت‌ها، تاریخ شفاهی است و شواهد مادی این میراث ممکن است به صورت آثار مکتوب، نتهای موسیقی، تصاویر عکاسی و... باشد. بر اساس ماده یک کنوانسیون حمایت از میراث جهانی، آنچه به عنوان میراث فرهنگی تلقی می‌شود مشتمل است بر (خادم‌زاده ۱۳۸۵، ۴)

- آثار^{۱۷}: آثار معماری، مجسمه سازی یا نقاشی در

بناها، عوامل و بناهایی که جنبه باستانی دارند، کتیبه‌ها، غارها و مجموع عواملی که از نظر تاریخی، هنری و علمی دارای ارزش جهانی استثنائی هستند؛

- مجموعه‌ها^{۱۸}: مجموعه بناهای مجزا یا مجتمع که از نظر معماری، منحصر به فرد بودن، یا بستگی به موقعیت آنها در یک منظره طبیعی، به لحاظ تاریخی، هنری و علمی دارای ارزش جهانی استثنائی هستند.

- محوطه‌ها^{۱۹}: آثار انسان یا آثاری که همزمان به وسیله انسان و طبیعت ایجاد شده است و نیز مناطق شامل محوطه‌های باستانی که به لحاظ تاریخی، زیبایی شناسی، نژادشناسی یا مردم‌شناسی دارای ارزش جهانی استثنائی هستند.

ایران از منظر آمار ثبت جهانی به همراه هفت کشور آرژانتین، اتریش، کوبا، اتیوپی، مجارستان، مراکش و تونس (پس از ۲۳ کشور جای گرفته در رتبه‌های ۱ تا ۷) در رتبه هشتم قرار گرفته است. هر هشت اثر ثبتی ایران در حوزه میراث فرهنگی بوده و ایران فاقد میراث طبیعی ثبت شده در فهرست میراث جهانی است.

جایگاه معیارهای بین المللی

توسعه معیارهای جهانی حمایت از میراث فرهنگی می‌تواند با بدترین اثراتی که جهانی شدن اقتصاد ممکن

دوران فتوحاتی است که بسیاری از مصادیق آن در اختیار تعدادی محدود و ممتاز قرار گرفت.

میراث بشری در موزه‌های «لوور» و «بریتانیا» و نه در «ساموا» و «سومالی» به نمایش گذارده شده است. بسیاری از خبرگان انگلیسی که از فروش مجموعه هنر قبیله‌ای منطقه اقیانوس آرام «نیوکاسل» به ژاپن ناراضی بودند، حتی لحظه‌ای به «ماکرونزیایی‌هایی» فکر نکردند که از عهده باز خرید هیچ یک از اشیایی که توسط اجدادشان ساخته شده بود بر نمی‌آیند.

جهان شمولی واقعی باید دسترسی یکسان به میراث فرهنگی را برای همه مناطق جهان تضمین کند. بدیهی است امروزه برای یک امریکایی یا اروپایی دیدار از «گینه نو» بسیار آسان تر است از فردی از روستاهای «سپیک» بخواهد هنر سپیک را در یکی از موزه‌های جهان غرب مورد مطالعه قرار دهد. به نوشته یک آفریقایی، این فقط فرهنگ آفریقایی نیست که در آفریقا وجود ندارد: در تمام منطقه آفریقای سیاه حتی یک موزه هنرهای شرقی، یک گالری هنرهای امپرسیونیسم جدید یا سایر هنرها دیده نمی‌شود و رشته‌هایی مانند مجسمه‌سازی یونانی، سفالگری آزتکی و... برای مردم آفریقا و آسیا کاملاً نا شناخته‌اند. (گزارش جهانی فرهنگ ۱۳۷۹، ۳۶۲)

کمیته و دبیرخانه طی سالیان گذشته تلاش کرده‌اند تا به این کشورها در تهیه فهرست‌های ملی یاری دهند، اما تاثیر این تلاش‌ها از یک سو به دلیل شرایط عینی لازم برای حفظ جایگاه‌ها و از سوی دیگر به دلیل دشواری کاربرد ضوابط اصالت، بازنمایی و همگانگی در مورد مظاهر آشکار فرهنگ‌ها و تمدن‌های اقلیت‌ها، محدود بوده است و از طرفی فاصله عمیق بین بودجه اختصاص یافته از سوی کمیته و بودجه تقاضاهای پذیرفته شده مایه تعجب است. (ژرژوئن ۱۳۷۷، ۲۸) شاید دلیل دیگر می‌توان ذینفع بودن کشورهای صنعتی در تجارت اموال فرهنگی را نام برد که به گرفتاری

است بر میراث فرهنگی وارد آورد مقابله کند. با همه این‌ها، ناهنجاری‌هایی را هم به وجود خواهد آورد.

روند جهانی شدن امری جدید است، چون از زمان تصدیق حقوقی یکسان و مسئولیتی مشترک برای همه‌ی مردم برای حفظ میراث جهانی مدتی طولانی نگذشته است و از آنجایی که این اعتقاد وجود دارد که برنامه‌های جهانی ریشه‌های نمایان در خود بزرگ بینی و دیدگاه امپریالیستی دارند، بنابراین هنوز نسبت به آن سوء ظن وجود دارد. این تصورات بیش از هر چیزی ناشی از رفتار اروپایی‌هایی است که برای میراث ملی خود ارزشی آن چنان عالی قائل هستند که می‌پندارند باید جهانی شوند.

گفته می‌شود که برنامه‌های اولیه، حفظ بقایای ابنیه تاریخی زیمباوئه بزرگ «در بافتی استعماری» اجرا شد که در آن جوامع محلی در نظر گرفته نمی‌شدند، چون این جنبه از میراث فرهنگی را متعلق به آنها نمی‌دیدند. (گزارش جهانی فرهنگ ۱۳۷۹، ۳۶۱)

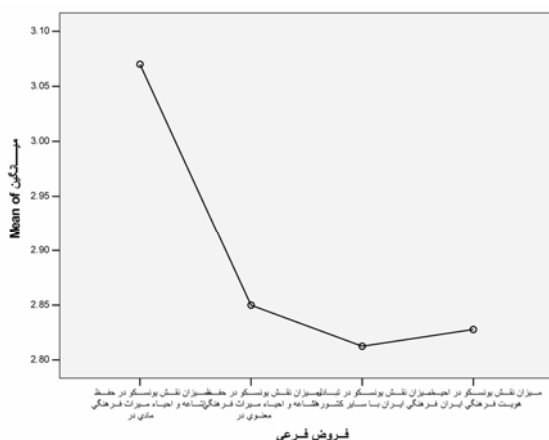
در تدوین معیارها، لاقول در روزهای اولیه، میراث غربی سنگ محک بود. منشور آتن (۱۹۳۱)، منشور ونیز و منشور بین‌المللی حفاظت و مرمت بناها و جایگاه‌ها (۱۹۶۶) بر آن، استوار بود، مثال خوبی است. این‌ها بر معیار اصالت تاکید داشتند این شرایط، اگر دقیقاً به کار گرفته شود، هرگونه بازسازی را منع می‌کند و ساختمان‌های آجری و سنگی قابل مرمت بوده ولی کشورهای آسیایی مثل چین که کاخ‌های امپراطوری از چوب ساخته شده بودند، تعداد کمی از آنها امکان مرمت و بقا را پیدا می‌کردند.

نکته دیگر، تردیدهایی درباره واقعیت جهان شمولی؛ به ویژه در مورد میراث فرهنگی منقول وجود دارد. قدرت‌های اروپایی در دوره بهره‌کشی استعماری خود میراث جهانی را به دست آوردند و سپس به عنوان کار پرداز جهانی به توجیه خرابی‌های فتوح خود پرداختند. بدین طریق مفهوم میراث جهانی مربوط به

ظرفیت‌های یونسکو استفاده‌ی بهینه می‌کند» را بدین علت که مربوط به نقش یونسکو نمی‌باشد، وارد مدل نشده است.

مقایسه میانگین عملکرد از طریق آزمون دانکن

| Subset for alpha = .05 | | N | فروض فرعی |
|------------------------|--------|-------|--|
| 2 | 1 | | |
| | ۲/۸۱۲۵ | ۴۰ | میزان نقش یونسکو در تبادل فرهنگی ایران با سایر کشورها |
| | ۲/۸۲۷۸ | ۴۱ | میزان نقش یونسکو در احیاء هویت فرهنگی ایران |
| | ۲/۸۵۰۰ | ۴۰ | میزان نقش یونسکو در حفظ، اشاعه و احیاء میراث فرهنگی معنوی در ایران |
| | ۳/۰۷۰۰ | ۴۰ | میزان نقش یونسکو در حفظ، اشاعه و احیاء میراث فرهنگی مادی در ایران |
| | ۱/۰۰۰ | ۰/۷۴۰ | Sig. |



نتیجه‌گیری

حوزه فعالیت‌های یونسکو شامل آموزش، علوم، فرهنگ و ارتباطات است. فعالیت‌های یونسکو طی سالهایی که از حیات این یگانه نهاد بین‌المللی فرهنگی می‌گذرد هم از لحاظ مفهومی و هم از لحاظ دامنه گسترش چشمگیری داشته است و اکنون با مفهوم اساسی‌تر فرهنگ از حیات بشری از جمله فرهنگ توسعه پایدار سر و کار دارد. در این پژوهش در باب

کشورهای جهان سوم بی‌اعتنا هستند. (گروه نویسندگان ۱۳۸۷، ۳۶۴)

یونسکو در این میان به چندین کار مبادرت نموده است: تأکید بر پیوستن به کنوانسیون‌های یونسکو بخصوص کنوانسیون استرداد اموال فرهنگی، فعالیت مستمر کشورها به خصوص کشورهای جنوب، تدوین هنجارهای بین‌المللی حفظ میراث فرهنگی با در نظر گرفتن دانش و معرفت همه نظام‌های هنجاری جهان، تلاش برای تهیه صورت دقیق موجودی گنجینه‌های هنری برای مبارزه با قاچاق گسترده بین‌المللی.

روش پژوهش

روش تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه در این تحقیق استفاده همزمان از آمار توصیفی و استنباطی می‌باشد. بر این اساس در آمار توصیفی از جدول توزیع فراوانی و در آمار استنباطی با استفاده از نرم‌افزار Excel داده‌های حاصل از پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در این بخش به بررسی و تحلیل نتایج در سه قسمت مختلف خواهیم پرداخت. قسمت اول به بررسی توصیفی پاسخ‌سوال‌ها به طور مجزا اختصاص دارد. در قسمت دوم با ادغام پاسخ‌های سوالات مربوط به هر فرضیه فرعی و ارائه میانگین برای هر کدام از فرضیه‌ها به مقایسه این فرضیه‌ها با یکدیگر از طریق تکنیک آنالیز واریانس و دسته‌بندی فرضیه‌ها با توجه به میانگین به دست آمده برای آنها می‌پردازیم. در قسمت پایانی نیز با هدف تعیین میزان اهمیت «ایفای نقش موثر یونسکو در هر کدام از مواردی که در فرضیه فرعی ذکر شده» بر روی «میزان اثر یونسکو در روند برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی ایران» به بررسی میزان اثر فرضیه فرعی بر روی فرض اصلی پژوهش از دید پاسخگویان و از طریق برآزش مدل رگرسیونی Ordinal Logistic پرداخته شده است. لازم به ذکر است که در دو قسمت پایانی، فرضیه فرعی «ایران از

- توسعه فرهنگی، میراث فرهنگی انتخاب گردیده است. در اهداف راهبردی (۲۰۰۲-۲۰۰۷) در تدوین و اجرای اسناد هنجاری، در زمینه فرهنگی، میراث فرهنگی به عنوان عنصر کلیدی هویت‌های فرهنگی، عامل رشد اقتصادی توسعه، گسترش و تبادل فرهنگی ذکر گردیده است. لذا این پژوهش برای بررسی فعالیت‌های یونسکو در ایران، با مبنا قرار دادن چهار هدف یونسکو، در عصر فرآیند جهانی شدن، بررسی میراث فرهنگی ایران را انتخاب نموده است. همچنین از طریق نظرسنجی، نخبگانی که به طریقی با این سازمان همکاری می‌کنند، بعمل آورد.
- حاصل این دستاورد از بررسی‌های کتابخانه‌ای و نظر سنجی نشان داد: یونسکو نقش موفقی در حفظ، اشاعه و احیاء میراث فرهنگی مادی را در ایران داشته است. همچنین در حفظ، اشاعه و احیاء میراث معنوی، تبادل فرهنگی ایران با سایر کشورها و احیاء هویت فرهنگی ایران نقش موثری را داشته است و از نظر پاسخ دهندگان یونسکو توانسته است، از طریق احیاء هویت فرهنگی در ایران در برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی نقش موثرتری را اعمال نماید.
- منابع و مأخذ**
- ۱) آمارتیا سن. مجله پیام یونسکو. ش ۳۱۶، س بیست و هشتم، ۱۳۷۶
 - ۲) پرزدکوئیار خاویر، تنوع خلاق ما، گزارش کمیسیون جهانی فرهنگ توسعه، مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران ۱۳۷۷
 - ۳) تاجیک، محمد رضا. روز نامه شرق ۱۳۸۲
 - ۴) خادم‌زاده، حسین. میراث جهانی ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی ایران، ۱۳۸۵
 - ۵) خاکی، غلامرضا. روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی. تهران: درایت، ۱۳۷۸
- ۶) سیف، علی اکبر. روش تهیه پژوهشنامه رودهن: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۵
- ۷) کونتس، لوسیا ایگلیاس. ترجمه داود طبایی. مجله پیام یونسکو. ش ۳۴۶، س ۱۳۸۴، ۳۰
- ۸) گروه نویسندگان، گزارش جهانی فرهنگ ۱۹۹۸، مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۹
- ۹) دوپوئی گزایوه، فرهنگ و توسعه، ترجمه فاطمه فراهانی عبدالحمید زرین قلم ناشر کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۴
- ۱۰) قوام عبدالعلی، جهانی شدن و جهان سوم، انتشارات وزارت امور خارجه ۱۳۸۲.
- ۱۱) نادری قطب‌الدینی و دیگران، کتاب سبز یونسکو، انتشارات وزارت امور خارجه ۱۳۸۲.
- ۱۲) نجف بیگی رضا، مجله اقتصاد مدیریت فرهنگ و توسعه در کشورهای جهان سوم شماره ۶۸.
- ۱۳) نراقی احسان، نشریه وقایع اتفاقیه، ش ۱۳، ۱۳۸۳
- ۱۴) نصیری، محمد حسین. توسعه و توسعه پایدار. تهران: ۱۳۷۶
- ۱۵) هریسون لارنس، هانیتگون ساموئل، اهمیت فرهنگ، ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران، انتشارات امیرکبیر، ۳، ۱۳۸
- ۱۶) ژرژ ژوئن، مجله پیام یونسکو، شماره ۳۲۸، سال بیست و نهم، ۱۳۷۷
- ۱۷) مجله طبیعت و منابع فصلنامه سال دوم ۷۰، ۱۳۷۶
- 18) Hofstede, G 1997: cultures and organization. mcgraw-hill
- 19) www.Uneco. Org

یادداشت‌ها

- 1- Developement
- 2- UNDP
- 3- Human Developement
- 4- Cultural Developement
- 5- Unesco
- 6- Globization
- 7- Cultural
- 8- Identity
- 9- Global Hertage
- 10- continuum
- 11- G.Delore
- 12- Kh.Prezecodir
- 13- F.Maire
- 14- Heritage
- 15- Cultural and material Heritage
- 16- Cultural and Itellectual Heritage
- 17- Traces
- 18- Collections
- 19- Enclosures